

روزنه

انتقاد نماینده آشوریان از محدودیت‌های اقلیت‌های دینی

اگر ما کافریم چرا در مجلس حضور داریم؟

● شرق: یونان بت کلیا، نماینده آشوریان در مجلس، روز دوشنبه در نطق میان‌دستور خود، ضمن تبریک فرارسیدن ایام ولادت پیامبر اسلام و حضرت مسیح و سال نوی میلادی، تقاضای رفع مشکلات قانونی جوامع اقلیت‌های دینی خصوصا بحث عدم برابری در قضااص و ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی را مطرح کرد. بت کلیا در گفت‌وگو با «شرق» درباره این درخواست خود گفت: «بر اساس ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی، کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافر مسلم باشد ورث کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.» او افزود: «با وجود اینکه در قانون اساسی صراحتا بیان شده که جوامع مسیحیان و زرتشتیان و کلیمیان به عنوان اقلیت‌های دینی رسمی کشور پذیرفته شده‌اند و بحث اهل ذمه‌بودن آنها هم در همان اوایل انقلاب بسته شده و حتی مقام معظم رهبری نیز در نظر و فتوای تاریخی خود درخصوص برابری دیه از عبارت اقلیت‌های دینی رسمی کشور استفاده کرده‌اند، متأسفانه همچنان در محاکم قضائی، این ماده به اقلیت‌های دینی رسمی و پذیرفته‌شده کشور هم‌تسری داده می‌شود.» بت کلیا با انتقاد از سوءاستفاده‌هایی که از این ماده می‌شود، تصریح کرد: «سال‌هاست که ما شاهد هستیم در برخی از خانواده‌های اقلیت‌های دینی، یکی از فرزندان اعلام می‌کند مسلمان شده و به این ترتیب، ارثیه پدری را کاملا تصاحب می‌کند و با استناد به این ماده، هیچ سهمی هم به خواهر و برادر و مادرش داده نمی‌شود. این در حالی است که خیلی از افراد اعتقادی هم به دین اسلام ندارند و فقط با استفاده از این امکان قانونی، ثروت خانوادگی را تصاحب می‌کنند و بعد هم از کشور خارج می‌شوند.» او با بیان اینکه هر پنج نماینده اقلیت‌های دینی در مجلس در سال‌های گذشته در نطق‌هایشان خواستار تعیین تکلیف این ماده قانونی نشده‌اند، به طرح دوفوریتی این نماینده‌ها در مجلس هفتم اشاره کرد و گفت: «در آخرین سال مجلس هفتم ۱۹۸ نفر از نمایندگان مطرح دوفوریتی دراین‌باره اتمام کردند. اما آقای حداد که رئیس مجلس بود، گفت نیازی نیست دوفوریتی باشد و بهتر است به صورت عادی اعلام وصول شود.» به این ترتیب بعد از اعلام وصول، آن را به کمیسیون قضائی فرستادند و هنوز همان‌جا مانده است، مجلس هفتم و هشتم تمام شد و الان هم که در پایان مجلس نهم هستیم، هنوز خبری از بررسی این طرح نیست.» بت‌کلیا درباره پیگیری موضوع در قوه قضائیه هم، با بیان اینکه اگر ما کافریم، پس من در این مجلس چه کار می‌کنم؟! گفت: «من اعتقاد دارم اگر آقای شاهرودی در رأس قوه قضائیه مانده بود، تا الان این مشکل حل می‌شد. چون بعد از اینکه ما به صورت مفصل با ایشان در چند نوبت صحبت کردیم، ایشان حتی یک کتاب دراین‌باره نوششتند که ادیان رسمی مشمول قاعده کافر نمی‌شوند.» این نماینده آشوریان در مجلس با اشاره به اینکه تغییر این رویه در دستگاه قضائی نیاز به فتاوی‌ای علمای اسلام دارد، از مراجعه نمایندگان اقلیت‌های دینی به برخی علما خبر داد و گفت: «تاکنون از آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله صائعی فتاوایی گرفته‌ایم. حدود هشت ماه قبل هم خدمت آیت‌الله مکارم‌شیرازی رسیدیم اما متأسفانه هنوز جوابی از ایشان دریافت نکرده‌ایم. با آیت‌الله شهرستانی نماینده آیت‌الله سیستانی در ایران هم دیدار داشتیم که در آن دیدار هر پنج نماینده اقلیت‌های دینی حاضر بودیم. ایشان هم تاکید داشتند نباید این قانون مشمول اقلیت‌های دینی رسمی کشور شود و قرار شد فتوایی صادر شود که تا امروز خبری نشده است.»

تصاحب زمین کلیسا توسط یک هیأت

این نماینده آشوریان در مجلس، همچنین در بخش دیگری از نطق روز دوشنبه خود، در سخنانی خطاب به رئیس جمهوری، از محدودیت‌های استخدامی دستگاه‌های دولتی برای استخدام اقلیت‌های دینی رسمی کشور در مقام‌های نظامی، امنیتی، مدیرکلی، معاون مدیرکلی، سفیری و غیره انتقاد کرد و گفت: «در تدین به دین اسلام در فرم‌های کارگزینی این مناصب و آگهی‌های استخدامی، دلیلی روشن بر این ادعاست.» او همچنین در بخش دیگری از نطق خود، از تصرف اموال وقفی جامعه آشوریان نیز انتقاد کرد و دراین‌باره گفت: «قریب به دو سال است که گروهی در لوای هیأت مذهبی، به بهانه تأسیس و بنای حسینیه، زمین متعلق به کلیسای کاتولیک آشوری کلدانی در خیابان پاتریس لومومبای تهران را به صورت غیرقانونی تصرف کرده‌اند و با وجود مراجعات مکرر و بررسی متعدد مسئولان، به تصرفات غاصبانه خود ادامه داده و ادعای دین‌داری هم می‌کنند و این در حالی است که حسب نص صریح احکام فقهی، عبادت در زمین غصبی، باطل بوده و موردقبول نیست.» بت کلیا در گفت‌وگو با «شرق»، از مراجعه به یونسسی برای حل این مشکل خبر داد و از اینکه دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌ها گفته دراین‌باره کاری از دستش برنمی‌آید، انتقاد کرد. او افزود: «جای تعجب است که پس از همه این پیگیری‌ها هنوز این افراد به اسم هیأت مذهبی به اقدام غیرشرعی و غیرقانونی خود ادامه می‌دهند و صراحتا به نهادهای رسمی و حکومتی و جامعه مسیحیان کشور دهن‌کجی می‌کنند.»

سیاست

به مناسبت سالروز رحلت آیت‌الله صدر

ناگفته‌های هجرت آیت‌الله بروجردی به قم

محسن کمالیان



پود که سلطانی و صدوقی را برای دیدار بروجردی به بیمارستان فیروزآبادی فرستاد تا مجددا به نمایندگی از محافل علمی و سیاسی پایتخت را تحت‌تأثیر قرار داد و نه تنها بسیاری از علما و فضلاء مقیم تهران و قم، بلکه رجال سیاسی و شخص محمدرضا شاه به دیدارش شتافتند. پاره‌ای علما و فضلاء حوزه علمیه قم نیز که نگران آینده این حوزه بودند، در سابه تحولات جدید به این فکر افتادند که شاید استقرار بروجردی در قم بتواند از سقوط آن جلوگیری و حیاتی تازه به آن تزریق کند.

نقش امام خمینی (ره)

استقرار آیت‌الله‌العظمی بروجردی در قم و تصدی زعامت حوزه علمیه آن شهر می‌توانست دو تحول مهم را در پی داشته باشد. تحول اول، اتحاد مراجع و روحانیت قم و بلکه مجموعه شهرهای ایران حول محور آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود. در سال ۱۲۲۳ بروجردی هم به لحاظ فقهی یکی از اطراف مسلم شبهه اعلمیت بود و هم به لحاظ سن و طبقه بر اقران علمی خود در سراسر ایران تقدم داشت، جمع این دو شرط مهم، بروجردی را در جایگاهی قرار داده بود که جمع‌کنسری از مراجع، علما و فضلاء وقت در قم و دیگر شهرهای ایران، صلاحیت وی را برای زعامت دینی کشور قبول داشتند. تحول دوم، سرازیرشدن مجدد بخش مهمی از سیل وجوهات شرعی به سمت قم بود. استقرار بروجردی در قم می‌توانست بسیاری از بازاریان متشرع تهران، قم و دیگر شهرهای ایران را ترغیب کند تا از ین پس وجوهات شرعی خود را به جای نجف برای قم ارسال کنند. وجوهات شرعی بزرگ‌ترین نیاز آن روز حوزه علمیه قم و در حکم شریان حیاتی آن بود. اگر بروجردی در قم مستقر و مشکل شهریه فضلا و طلاب حل می‌شد، حوزه دوباره جان می‌گرفت و از خطر نابودی نجات می‌یافت.

امام خمینی را از جمله فضلاء آن روزگار خواندند که برای هجرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به قم تلاش فراوانی به عمل آورد. امام خمینی خود نیز در بیمارستان فیروزآبادی به دیدار آیت‌الله‌العظمی بروجردی رفت و استقرار نامبرده را در قم تقاضا کرد. وی همچنین طومارهای متعددی را با امضای علمای قم خطاب به آیت‌الله‌العظمی بروجردی تهیه کرد که استقرار وی را در قم خواستار شده بود. همسر امام خمینی نقل کرده است که وی افزون بر اینها، ده‌ها نامه نیز برای علمای بزرگ بلاد ارسال کرد تا آنها هم به طرق مقتضی از آیت‌الله‌العظمی بروجردی استقرار در قم را خواستار شوند.

حمایت آیت‌الله‌العظمی صدر

همراهی آقا سید صدرالدین با اندیشه استقرار آیت‌الله‌العظمی بروجردی در قم برای تصدی زعامت حوزه علمیه این شهر، البته تنها به جلب موافقت مراجع ثلثات محدود نشد. از خاطرات آیت‌الله‌العظمی زنجانی و آیت‌الله سید مرتضی میرقعی فقیه چنین بر می‌آید که مخالفان اولیه آوردن بروجردی به قم، به محدود به آیت‌الله‌العظمی حاجت نبودند. به نوشته زنجانی، این آقا سید صدرالدین بود که «آقایان دیگر را در این جهت همراه کرد.» همچنین از گفته‌های برخی آگاهان چنین برداشت می‌شود که آقا سید صدرالدین افزون بر نامه مشترکی که به اتفاق دیگر مراجع ثلثات برای آیت‌الله‌العظمی بروجردی فرستاد، خود نیز گویا با ارسال نامه‌ای جداگانه، بر دعوت از آن فقیه بزرگ برای آمدن به قم و تصدی زعامت حوزه علمیه این شهر تاکید مجدد کرد. ارسال نماینده و پیام شفاهی راه‌های دیگری بود که آقا سید صدرالدین به‌واسطه آنها آیت‌الله‌العظمی بروجردی را به هجرت به قم تشویق کرد. از جمله فضلاء ارشد قم که بالاتفاق به بیمارستان فیروزآبادی رفتند و در دیداری مشترک آیت‌الله‌العظمی بروجردی را برای هجرت به قم و تصدی زعامت حوزه علمیه این شهر ترغیب کردند، آبات‌الله سلطانی و صدوقی بودند. دیدار داماد ارشد رئیس وقت حوزه علمیه قم و نیز مقسم شهریه و بلکه مسئول دفتر وی با آیت‌الله‌العظمی بروجردی و دعوت آن دو از ایشان برای آمدن به قم، طبیعتا بار سیاسی و پیام دوستی آشکاری داشت. به اعتقاد برخی آگاهان این آقا سید صدرالدین

بروجردی تقاضای علما و فضلا مبنی بر هجرت به این شهر را نمی‌پذیرفت. با این همه سؤالی وجود دارد که چرا آن فقیه عالی‌مقام را برای هجرت به قم دعوت کنند. آیت‌الله‌العظمی بروجردی عصر روز پنجشنبه مورخ ۲۶ محرم سال ۱۳۶۴ ق معادل با ۲۱دی سال ۱۳۲۳ ش، در میان استقبال باشکوه مراجع ثلثات، علما، فضلا، طلاب و مردم، از شهر ری وارد شهر قم شد . به نوشته آیت‌الله‌العظمی زنجانی، آیت‌الله‌العظمی شیخ مرتضی حائری یزدی پسر ارشد حاج شیخ که از فضلاء ارشد آن روزگار بود، گویا در حرکتی نمادین، همراه بروجردی در اتوبییل نشست و وی را از شاه عبدالعظیم تا قم همراهی کرد. از خاطرات آیت‌الله صدوقی چنین برداشت می‌شود که گویا نامبرده و آیت‌الله سلطانی نیز آیت‌الله‌العظمی بروجردی را در سفر تهران به قم همراهی می‌کرده‌اند. آن‌طور که پاره‌ای محققان نوشته‌اند، جمعیت انبوه استقبال‌کنندگان، شامل علما، فضلا، طلاب، تجار، بازاریان و طبقات مختلف مردم، با صد‌ها اتوبوس و سوار، تا روستای علی‌آباد واقع در ۱۰ فرسخی جاده قدیم قم تهران، و برخی حتی تا خود تهران، به استقبال رفته بودند. آقا سید صدرالدین نیز در خوشامدگویی به بروجردی سنگ تمام گذاشت. اصحاب و شاگردان وی در ایستگاه‌های متعددی در طول جاده قم - تهران مستقر شدند تا به بروجردی خیرمقدم بگویند. مراجع ثلثات و دیگر بزرگان قم در منطقه سالاربه به استقبال رفتند. معدودی محققان، حتی آقا سید صدرالدین را از جمله بزرگانی می‌شمرند که برای استقبال از بروجردی به شاه عبدالعظیم رفته بودند. اما روایت اخیر به نظر می‌رسد که دقیق نیست و هیچ شاهد و مستندی آن را تأیید نکرده است. عمده محققان متفقا چنین نوشتند که آقا سید صدرالدین در همان بدو ورود بروجردی به قم، محل اقامه نماز جماعت خود را در صحن بزرگ حرم مطهر حضرت معصومه (س)، بزرگ‌منشانه به وی واگذار کرد و برای همیشه از مسئولیت زعامت حوزه علمیه این شهر کنار کشید. این محل همان جایی بود که آیت‌الله‌العظمی حائری نیز نماز جماعت خویش را آنجا اقامه می‌کرد و از مهم‌ترین نشانه‌های زعامت و مرجعیت در نگاه آن روزگار روحانیت و مردم محسوب می‌شد. گفته شد که آقا سید صدرالدین در مجالسی که به افتخار ورود بروجردی در قم برگزار می‌شد، نه تنها شخصا حاضر شد، بلکه از موضع میزبان، با منتهای فروتنی کنار درب به میهمانان خوشامد می‌گفت.

همچنین گفته شد آقا سید صدرالدین حتی چند روزی را در ۶۵ سالگی، همراه برخی عالمان جوان‌تر از جمله آیت‌الله‌العظمی سید محمدتقی خوانساری، به منظور تثبیت زعامت و مرجعیت آیت‌الله‌العظمی بروجردی، دروس خود را تعطیل و بیای درس وی حضور پیدا کرد. اما بروجردی ادامه این رفتار متواضعانه را اجازه نداد و تقاضا کرد که آقایان درس‌های خود را بازگشایی و تدریس کنند. همچنین نقل شد که «ظواهر علاقه و محبت» آقا سید صدرالدین به آیت‌الله‌العظمی بروجردی و «رنش» ایشان در مقابل «عظمت و بزرگواری» زعیم جدید حوزه علمیه قم چنان شدید بود که «در مجلس روضه آن مرحوم که در ایام فاطمیه برگزار می‌شد، کنار می‌نشست و هنگام ورود طلاب و فضلا برمی‌خاست و به آنها خوشامد می‌گفت.»

نقش واقعی آیت‌الله‌العظمی صدر

عمده بزرگان وقت و اغلب محققان تاریخ معاصر روحانیت ایران اتفاق نظر دارند که آقا سید صدرالدین، با هجرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به قم و تصدی مسئولیت زعامت حوزه علمیه این شهر، منتهای همراهی و همدلی را به عمل آورد. آقا سید صدرالدین به تعبیر آیت‌الله‌العظمی زنجانی نه تنها «همه جور خضوع در برابر ایشان داشت»، بلکه به تعبیر برخی دیگر از بزرگان، در این خضوع نیز بی‌مبالغه بر تمامی اقران خود پیشی گرفت. این سخن امام موسی صدر کاملا دقیق، منصفانه و مورد قبول محققان تاریخ معاصر روحانیت ایران است که اگر همراهی، همدلی و حمایت خاص آقا سید صدرالدین بود، زعامت و مرجعیت مطلق بروجردی در قم با نمی‌گرفت و چه بسا حتی خود

منهای پایتخت

نامه تعدادی از فعالان سیاسی استان خوزستان به رئیس جمهوری

● شرق: جمعی از فعالان سیاسی استان خوزستان در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری درخصوص ترکیب هیأت‌های اجرایی شهرستان اهواز و آبادان گلایه‌هایی را مطرح کردند. در این نامه که به امضای حدود ۵۰۰ نفر از جمله برخی نمایندگان سابق خوزستان در مجلس رسیده، این‌گونه آمده است: «بسمه‌تعالی؛ جناب آقای دکتر روحانی؛ با سلام و تحیت؛ احتراماً به عرض حضرت‌تعالی به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور می‌رساند با توجه به درپیش‌بودن دو انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس، وزارت کشور عهده‌دار مهم‌ترین بخش برگزاری انتخابات است. گماردن معتمدین محلی به‌عنوان هیات اجرایی با عنایت به بافت سیاسی، اجتماعی هر استان و شهرستان از اهم وظایف فرمانداران است، که معمولا ترکیبی متنوع از جریانات سیاسی، صنفی، اقشار و اقوام را دربر می‌گیرد، تا شائبه تکراری مهندسی انتخابات به سود یک جریان سیاسی یا قومی زائل گردد. اما فرمانداری اهواز و آبادان در اقدامی نادر و استثنایی با گماردن هشت گزینه که اغلب از یک گرایش سیاسی و قومی هستند و در این بین این دوشهر مهم و کلیدی و استراتژیک که هر کدام دارای سه کرسی در مجلس شورای اسلامی هستند و اکثریت جمعیت آنها را مردم شریف عرب تشکیل می‌دهند حتی یک نفر از معتمدین عرب در این ترکیب حضور ندارند؛ لذا مستدعی است در اسرع وقت این مشکل را رفع و دستور لازم را به مقامات استانی صادر فرمایید.»

تاکید استاندار فارس به هیات‌های اجرایی:

به صحبت‌های شفاهی توجه نکنید

● روابط عمومی استانداری فارس: سیدمحمد علی افشانی، استاندار فارس با تاکید بر اینکه هیات‌های اجرایی موظف هستند براساس نظر مراجع چهارگانه اقدام کنند و در صورت ردصلاحیت کاندیداها، باید در صورت درخواست آنان، مستندات لازم را در این خصوص به صورت مکتوب در اختیار آنان بگذارند، افزود: درصورتی که مدارک لازم در اختیار هیات‌های اجرایی قرار نگیرد آنان باید کاندیداها را تأیید صلاحیت کنند و به صحبت‌های شفاهی توجه نکنند.



یک تهران بود یک سنگلج

مجله «تهران» منتشر شد

با آثار و گفتاری از: علی نصیریان / منوچهر انور / فخرالدین فخرالدینی

احمد مسجد جامعی / امیر حسن چهلتن / بهرام دبیری / رضا جوادلی

داریوش شایگان / فتح الله مجتبیایی / عبدالحسین آژرنگ / مریم‌زند

فروش در کافه ها ، کتابفروشی ها و دکه های روزنامه فروشی